

## بازنمود ایدئولوژی در قرض‌گیری زبانی (گویشی) در چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی

معصومه ارجمندی\*

دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

### چکیده

در راستای تحول و تغییر در زبان یا گویش، قرض‌گیری نقش بسزایی داشته است. این تأثیر گاه در حد وارد شدن اصطلاحات و عبارتهای غیربومی به زبان یا گویش است و گاه این تأثیر به ساخت زبان از جمله به ساخت ساختارهای زبانی نیز وارد می‌شود و ساخت‌های قرضی را وارد زبان می‌کند. نوع نگرش و دیدگاه به این پدیده حائز اهمیت است. برخی تأثیر برخورد زبانی را عاملی در جهت تخریب زبان قلمداد کرده و آن را عاملی نامطلوب در روند تغییر زبان می‌دانند. این مقاله بر آن است تا ضمن برشمردن انواع قرض‌گیری یک زبان که از طریق ارتباط و برخورد با زبان‌های دیگر به وقوع می‌پیوندد، روند تغییر در زبان و یا گویش را با استناد بر نقش ایدئولوژی به مثابه عاملی بینامتنی در سطح کلان ارزیابی کند و سپس در چهارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی بر ابعاد ایدئولوژیک قرض‌گیری و وجوه اقتدار منشأ آن متمرکز شود.

**کلیدواژه** قرض‌گیری، ایدئولوژی، تحلیل گفتمان انتقادی

**۱- مقدمه**

زبان به‌عنوان بازنمود نظامی از مفاهیم و اندیشه‌ها برای همه موضوعی ارزشمند و شایسته تفکر و بررسی بوده است. تبلور افکار، باورها، اعتقادات در صورت‌های زبانی از جمله حوزه واژگانی یکی از کانون‌های اصلی مورد توجه در بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی است. این موضوع در زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی زبان، همچنین در تحلیل گفتمان انتقادی اهمیتی ویژه می‌یابد.

قرض‌گیری واژگانی در معنای خاص و گزینش واژه غیربومی در درون نظام ساختواری یک زبان یا گویش از نتیجه برخورد زبانی است. هنگامی که یک واحد زبانی از گونه‌ای داخل گونه دیگر جای می‌گیرد و یا ذخیره می‌شود، قرض‌گیری صورت گرفته است (هادسن، 58).

هاگن قرض‌گیری زبانی را به دو دلیل دانسته است: عامل اول دو زبانی و قرض‌گیری است و عامل دوم قرض‌گیری، آمیزش و برخورد زبان‌هاست. در سال ۱۸۸۶ هرمن پل نیز به قرض‌گیری ناشی از دو زبانی در بین گویشوران در زبان اشاره می‌کند و معتقد است که تحلیل قرض‌گیری باید در شرایط وجود دو زبانی در جامعه بین گویشوران آغاز شود و ورود عناصری از یک زبان به زبان دیگر باعث جانمایی عناصر قرض‌دهنده به جای عناصر زبان دوم (قرض‌گیرنده) می‌شود (هاگن، ۷۹).

**۲- پیشینه پژوهش**

مدت زمان زیادی از پیدایش رشته‌ای با نام «جامعه‌شناسی زبان» نمی‌گذرد. تنها از ۴ یا ۵ دهه پیش به تدریج اصول جهانی نظری این شاخه از مطالعات زبانی تدوین و مطالعات و تحقیقات علمی در این زمینه آغاز شد. همچنین مطالعاتی که با عنوان گویش‌شناسی سنتی در قرن ۱۹ و نیمه اول قرن ۲۰ در جریان بود در واقع بستر لازم را برای پیدایش مطالعات اجتماعی زبان فراهم کرد. موضوع اصلی مورد بحث در این مطالعات، مسئله گوناگونی‌های زبان بود. بدیهی است که زبان‌ها پدیده‌هایی یکپارچه و همگن نیستند و وجود تنوعات و گوناگونی در زبان‌های مختلف امری اجتناب‌ناپذیر است.

در قرن بیستم دو پژوهشگر امریکایی به نام‌های ادوارد سپیر و بنجامین لی‌ورف با تحقیق در مورد فرهنگ اقوام سرخپوست بومی آمریکا ابعاد دیگری به نظریات

هومبولت، یکی از قوم‌شناسان قرن ۱۹ آلمان افزودند. به طوری که امروزه مفهوم «نسبیت زبانی» با عنوان نظریه «سپیر \_ ورف» نیز شناخته شده است. نظریه نسبیت زبانی بر این تصور رایج استوار است که رمزگان زبانی نقش چشمگیری در شکل‌گیری نگرش انسان‌ها نسبت به واقعیت‌های اجتماعی ایفا می‌کند. به زعم سایپر (ص ۶۴) جهان واقعی، ناخودآگاه بر پایه عادات زبانی ما شکل گرفته است. بنابراین، هیچ دو زبانی به طور کامل قادر به تجسم و تصویر جهان به صورتی یکسان، نیستند، چون گستره‌هایی که جوامع مختلف در آن‌ها زندگی می‌کنند، جهان‌هایی متفاوت است.

در همه فرهنگ‌ها، تفکیک هویت اجتماعی در پرتو رمزگان اجتماعی صورت می‌گیرد. افزون بر این، نحوه به‌کارگیری زبان نیز در تعیین هویت اجتماعی ما مؤثر است. واژه‌هایی که اعضای طبقات اجتماعی بالا جامعه به کار می‌برند با مجموعه واژه‌هایی که اعضای طبقات اجتماعی پایین جامعه به کار می‌برند، تفاوتی فاحش دارد. بنابراین، گزینش واژه‌ها و شیوه تلفظ آن‌ها همچون رمزی، حاوی پیام‌هایی خاص، نزد مخاطب است. از این رو، می‌توان گفت رمزهای زبانی نه تنها نمودی از طبقه اجتماعی فرد است، بلکه خواسته‌ها و گرایش‌های درونی او را نیز متجلی می‌سازد (ضمیران، ۱۴۱-۱۴۲).

در گذشته عامل جغرافیایی را دلیل اصلی پیدایش گوناگونی‌ها و تنوعات زبانی به شمار می‌آوردند و گویش‌شناسی سنتی نیز با تهیه اطلس‌های زبانی به دنبال ویژگی‌های زبانی مربوط به مناطق جغرافیایی مختلف بود. ادامه این نوع مطالعات در اروپا و امریکا این مسئله را آشکار ساخت که حتی در یک نقطه جغرافیایی معین نیز ممکن است گونه‌های مختلف یک زبان مورد استفاده قرار گیرد و بدین ترتیب عامل جغرافیایی به عنوان تنها دلیل وجود تنوعات زبانی مورد تردید قرار گرفت. آنچه که توانست وجود این گوناگونی‌ها را در یک گونه محلی توجیه‌کند عوامل اجتماعی نظیر سن، جنسیت، میزان تحصیلات و طبقه اجتماعی بود. تحقیقات مک دیوید و فیشر را می‌توان از مهم‌ترین و مؤثرترین پژوهش‌ها در این زمینه دانست.

از دهه ۱۹۶۰، ویلیام لباو تحقیقات خود را علمی‌تر مطرح کرد و تا حد زیادی مشکلات علمی و روش‌شناختی که بر سر راه اجتماعی زبان وجود داشت را برطرف ساخت (لبا، ۱۶۲-۱۶۸). اما این بررسی‌ها تنها به رفتار زبانی طبقات اجتماعی محدود نشده و به همبستگی میان رفتار زبانی افراد و دیگر عوامل اجتماعی نظیر جنسیت،

قومیت، تحصیلات، سن، موقعیت گفتار و شغل نیز پرداختند (دیتمار، 6-2؛ وارداف، ۱۸۰-۱۷۲).

اما در زمینه پدیده قرض‌گیری، آنچه که در این مطالعات به دست آمده این است که مطالعات زبان شناسان اروپایی و امریکایی در مورد پدیده قرض‌گیری زبانی نسبت به مطالعات زبان شناسان ایرانی در این زمینه دارای قدرت و سابقه بیشتری است. از جمله این بررسی‌ها عبارت‌اند از اثر معروف بلومفیلد (ص 493-445) که بین ۳ نوع پدیده قرض‌گیری تمایز قائل شده است و عبارت‌اند از: قرض‌گیری فرهنگی، قرض‌گیری درونی و قرض‌گیری گویشی. هاگن (ص 106-79) بین قرض‌گیری ضروری و غیرضروری تمایز قائل شده است و قرض‌گیری‌های واژگانی را به ۳ گروه تقسیم می‌کند. هاگن همچنین علل قرض‌گیری‌های واژگانی را نیز بررسی کرده است.

آنتیلا (۱۹۷۲) نیز از منظر تاریخی به پدیده قرض‌گیری زبانی می‌نگرد و ارتباط قرض‌گیری واژگانی با قرض‌گیری فرهنگی را به چالش می‌کشد. تراسک نیز با معیارهای تاریخی به این پدیده می‌پردازد و قرض‌گیری را تحت عنوان فراگیری واژه‌های جدید در زبان معرفی می‌کند و به پدیده مرگ و تولد زبان‌ها نیز اشارتی دارد (ص 47-308). همچنین هاگن (ص ۴۱۰-۳۸۰) بررسی اعتبار اجتماعی و نیاز برای قرض‌گیری را به عنوان عوامل اصلی در قرض‌گیری مطرح می‌کند. در این بررسی عوامل اجتماعی، مهم‌ترین عامل قرض‌گیری واژگانی شناخته می‌شوند. او معتقد است در قرض‌گیری واژگانی مسئله انطباق آواهای زبانی قرض‌دهنده با زبان قرض‌گیرنده از اهمیت خاصی برخوردارند. موگن و بنیاک (۱۹۹۱) نیز به پیامدهای زبانی حاصل از برخورد زبانی پرداخته‌اند.

بررسی و تحقیق در زمینه قرض‌گیری زبانی در ایران در حدود ۵ دهه گذشته آغاز شده است. از جمله زبان شناسانی که در این حوزه به پژوهش پرداخته‌اند عبارت‌اند از: نیلی پور (۱۳۳۴)، باطنی (۱۳۴۹)، تحقیق الهی (۱۳۵۰)، ترابی (۱۳۵۴)، شاملو (۱۳۵۶)، کسروی (۱۳۷۵)، همایون (۱۳۵۸)، حق شناس (۱۳۶۵)، مدرسی (۱۳۶۸)، احسانی (۱۳۷۲)، چهرگانی (۱۳۷۳)، احمدی (۱۳۷۴) و تعدادی پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری.

### قرض‌گیری

هنگامی که دو جامعه زبانی به دلایل گوناگون با یکدیگر برخورد و ارتباط برقرار

می‌کنند، زبان‌های آن‌ها نیز در تماس و برخورد قرار می‌گیرند. نتایج حاصل از این برخورد‌های زبانی، گوناگون و متفاوت است. این نتایج منجر به تغییر زبان‌ها، حفظ زبان، دوزبانگی، همگرایی زبانی، تداخل زبانی، قرض‌گیری و زوال زبانی می‌شود. هاگن قرض‌گیری زبانی را دوباره سازی الگوهای یک زبان در زبان دیگر می‌داند (مدرسی، ۵۹). آراتو نیز قرض‌گیری زبانی را روندی معرفی می‌کند که طی آن یک زبان یا گویش، واحدهای زبانی را از زبان دیگر می‌گیرد و در خود جای می‌دهد. قرض‌گرفتن الزامی به باز پس دادن چیزی ندارد، ممکن است «سرقه» اصطلاح بهتری باشد اما این واقعیت را نیز باید در نظر داشت که زبان قرض‌دهنده با گرفتن عناصرش، احساس غبن نمی‌کند و در واقع چیزی را از دست نمی‌دهد (همو، ۲۴۷).

به طور کلی برتری‌های غیرزبانی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ...) یک جامعه، معمولاً نوعی برتری زبانی به دنبال دارد. در چنین حالتی زبان جامعه‌ای که از لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... برتری دارد برتر از زبان قرض‌گیرنده محسوب می‌شود (همو، ۶۱).

قرض‌گیری واژگانی اتخاذ واژه‌های منفرد یا مجموعه وسیعی واژه از یک زبان به زبان دیگر است. قرض‌گیری می‌تواند از یک گویش به گویش دیگر یک زبان صورت گیرد (همو، ۲۴۷).

### تحلیل انتقادی گفتمان

تحلیل انتقادی گفتمان یکی از نظریه‌های میان رشته‌ای و کاربردی در رشته زبان‌شناسی همگانی است که مطالعه زبان را در درون بافت اجتماعی- فرهنگی فراهم می‌سازد. این رویکرد مسیری تکوینی از تحلیل گفتمان است که تحلیل گفتمان را به لحاظ نظری و روش‌شناختی از حد توصیف صرف داده‌های زبانی فراتر می‌برد و فرآیندهای ایدئولوژیک مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان، مناسبات زبان، قدرت و روابط سلطه، پیش‌فرض‌های گفتمانی حاصل بار ایدئولوژیک و نابرابری‌های گفتمانی را در کانون توجه خود قرار می‌دهد (فرکلاف، تحلیل...<sup>۱</sup>، مقدمه). مفهوم گفتمان و تحلیل انتقادی آن اینک با نام فوکو همراه شده است (همو، ۱۱). اما در دهه‌های اخیر زبان‌شناسان

پیشماری با نگاه انتقادی به مطالعه زبان پرداخته‌اند از جمله دیدگاه انتقادی گونتر کرس و هاج (۱۹۷۹). به زعم کرس (تحلیل...، ۸۵) تحلیل گفتمان انتقادی به مثابه نوعی عمل اجتماعی است که میان دیگر اعمال اجتماعی قرار دارد. زبان شناس دیگری که در حوزه تحلیل انتقادی گفتمان تأثیرگذار بوده، روث وداک است. وداک (۱۹۸۹) در کتاب *زبان، قدرت و ایدئولوژی* تحلیل گفتمان انتقادی را رویکردی میان رشته‌ای معرفی می‌کند که ریشه در زبان‌شناسی متن، جامعه‌شناسی زبان و زبان‌شناسی کاربردی دارد (وداک و گیلبرت ویس، ۱۲). راجر فالور (ص ۶۷) معتقد است که ساخت‌های زبانی چه در سطح واجی، نحوی، واژگانی، معنایی، منظورشناختی و چه در سطح بافتی می‌توانند با خود اهمیت، اعتبار و بار ایدئولوژیکی به همراه داشته باشند. وندایک (۲۰۰۱) نیز تحلیل گفتمان انتقادی را رویکردی میان رشته‌ای معرفی می‌کند که مطالعه زبان را در درون بافت‌های اجتماعی - فرهنگی فراهم می‌سازد (به نقل از ویدوسن، ۸۹). رویکرد وندایک با رویکرد زبان‌شناختی که محدود به مطالعه روستا و مطالعه معنای جملات که روزگاری چنین تجزیه و تحلیل ساختاری صورت می‌گرفته، متفاوت است. پنی کوک (ص ۱۳۳ - ۱۳۴، به نقل از آقاگلزاده، ۱۵۵) نیز بر این باور است، کاربرد زبان همیشه با مسائل قدرت مرتبط است. در دیدگاه بلور (ص ۱۲) تحلیل گفتمان انتقادی، به بررسی و تحلیل کنش‌های<sup>۲</sup> گفتمانی می‌پردازد. این کنش‌ها خود سازنده و انعکاس دهنده مسائل اجتماعی هستند. آنان معتقدند این رویکرد به اهمیت نقش زبان در روابط اجتماعی و نیز نحوه خلق معنا در بافت اذعان دارد.

پژوهشگر انتقادی دیگر در این حوزه، نورمن فرکلاف است. وی در دو دهه اخیر تأثیر بسزایی در تکوین، پیدایش و شکل‌گیری زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی داشته است. به زعم فرکلاف تحلیل انتقادی در بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی به فرآیندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط میان زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، نابرابری در گفتمان و ... توجه کرده است و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای فاعلان، هدف و موضوع مورد مطالعه خود قرار داده است.

در این مقاله، از منظر تحلیل گفتمان انتقادی به ایدئولوژی و بازتاب آن در

---

2--Critical Discourse Analysis.

2 - Social Practices.

قرض‌گیری، به عنوان یکی از عوامل پنهان در سطح کلان در قرض‌گیری نگریسته می‌شود. دیدگاهی که ایدئولوژی را متضمن «بازنمود جهان از دید منافی خاص» تلقی می‌کند (فرکلاف، تحلیل انتقادی، ۵۲).

### قرض‌گیری و انگیزه‌های آن

بررسی‌ها و مطالعاتی که بر روی قرض‌گیری و واژه‌های قرضی به انجام رسید، نشان می‌دهد که واژه‌های قرضی به دلایل مختلف قرض‌گیری شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند که به عوامل مختلف درون‌زبانی و بیرون‌زبانی همچون عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بستگی دارد. در این بحث به بررسی این دلایل می‌پردازیم.

### عوامل درون‌زبانی و نقش آن‌ها در قرض‌گیری واژگانی

واین رایش (ص ۵۸) معتقد است عوامل درون‌زبانی در قرض‌گیری واژگانی نقش بسیار عمده‌ای ایفا می‌کنند، همچنین به این نکته تأکید دارد که تنها انگیزه نامگذاری نیست که سبب قرض‌گیری‌های واژگانی می‌شود بلکه باید در این زمینه عامل درون‌زبانی را نیز دخیل و سهیم دانست.

صفوی (ص ۱۷-۲۰) نیز با رد این مطلب که مسئله نام‌گذاری تنها انگیزه قرض‌گیری واژگانی است، ۳ عامل درون‌زبانی بسامد وقوع پایین معادل‌ها در زبان قرض‌گیرنده، وجود هم‌آوایی واژگانی، مخدوش شدن اصل رسانگی و نیاز به واژه قرضی برای تغییر بار معنایی را از عوامل قرض‌گیری ذکر می‌کند و برای هر کدام مثال‌هایی را از زبان فارسی می‌آورد.

### بسامد پایین واژه‌ها

بسامد پایین برخی از واژه‌ها (در زبان قرض‌گیرنده) نسبت به واژه‌های پربسامد باعث می‌شود این واژه‌ها بیشتر در معرض فراموشی و جایگزین شدن قرار بگیرند و همین امر باعث می‌شود که با فراموشی واژه کم‌بسامد، واژه‌ای از گویش یا زبان دیگر قرض گرفته شود.

### وجود واژه‌های هم آوا - همنام در زبان قرض گیرنده

در مواردی که واژه‌های همنام در یک زبان در کاربرد یکدیگر ایجاد تداخل می‌کنند، به منظور از میان بردن چنین مشکلاتی ناشی از هم آوایی یک یا هر دو هم آواها را کنار گذاشته و به جای آن‌ها واژه یا واژه‌های دیگر را قرض می‌گیرند. به عنوان مثال در گویش وسگس<sup>۱</sup> کلمات carrum به معنی «گاری» و carnem به معنی «گوشت» بوده و به سبب هم آوایی نسبی این واژه‌ها، گویش وسکس کلمات Votiure و Viande را از زبان فرانسه در فرآیند آزاد شدن از مشکلات واژه‌های همنام قرض‌گیری کرده است (واین رایش، ۵۸ - ۵۷).

### اختلال در اصل رسانگی واژه‌های اصیل

واین رایش (ص ۵۸) دلیل دیگری را بدین صورت بر قرض‌گیری‌های واژگانی ارائه می‌دهد که زبان در حوزه‌های معنایی خاصی از قبیل هیجانان، غذا و ارتباطات، نیازی مداوم و مستمر به واژه‌های مترادف دارد. واژه‌های کهن موجود در این حوزه‌های معنایی نمی‌توانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند. در نتیجه واژه‌های قرضی از زبانی دیگر جایگزین آن‌ها می‌شوند.

### تابوی<sup>۲</sup> زبانی (دشوآژه)

در برخی موارد نیاز به واژه‌هایی برای اطلاق به مصداق‌های نامطلوب و ناخوشایند موجب می‌شود تا زبانی از زبان دیگر واژه‌هایی را قرض‌گیری کند، چراکه واژه‌های بومی (زبان قرض‌گیرنده) اندک اندک به سبب همراه شدن با تداعی‌های نامطلوب و ناخوشایند تبدیل به تابو شده و گویشوران زبان برای احتراز چنین وضعیتی از زبان‌های دیگر واژه‌هایی را به عاریت می‌گیرند. گفتنی است واژه‌هایی که در هر زبان برای اشاره به مصداق‌های نامطلوب به کار می‌روند به دلیل آنکه به محض ادا شدن مدلول مورد نظر را در نظر مجسم می‌کنند، برای ایجاد یک تداعی غیرمستقیم میان دال (لفظ) و مدلول، گویندگان زبان دال قرضی را استفاده کرده و بدین ترتیب رابطه بین

---

1 - Vosges

2 - taboo.

دال و مدلول (ناخوشایند) به طور مستقیم و آشکار ایجاد نمی‌شود و لذا نامطلوبی مدلول به وضوح و روشنی در ذهن شنونده برانگیخته نمی‌شود. اجتناب از کاربرد واژه‌های نامطلوب زبان بومی است که سبب می‌شود تا واژه‌های بیگانه‌ای که ناخوشاندی آن‌ها چندین آشکار نیست قرض گرفته شوند.

### عوامل برون زبانی و نقش آن‌ها در قرض‌گیری واژگانی

#### پر کردن خلاء ارتباطی و فرهنگی

فالک<sup>۱</sup> (ص 50) بر این نکته تأکید دارد که نیازی که در قرض‌گیری واژگانی مطرح می‌شود نیاز زبان‌شناسی نیست بلکه نیاز اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فنی است. دلایل قرض گرفته شدن برخی واژه‌ها این است که چنین واژه‌هایی قادرند خلاءهای ارتباطی را که با قرض گرفته شدن عناصر فرهنگی، مادی به وجود آمده‌اند در زبان قرض‌گیری پر کنند. هاکت (ص ۴۰۴) این انگیزه را از مؤثرترین انگیزه‌ها و دلایل قرض‌گیری دانسته است.

#### اعتبار اجتماعی

ارزش اجتماعی، علمی، فرهنگی و سیاسی یک زبان به انگیزه‌ای نیرومند برای کاربرد واژه‌های آن در زبان‌های دیگر تبدیل می‌شود. در برخوردهای زبانی چنانچه یکی از زبان‌ها نسبت به دیگری از اعتبار اجتماعی بالاتری برخوردار باشد به سبب نقش مثبت اجتماعی، نقش قرض دهنده را ایفا خواهد کرد. بنابراین، گویشوران زبانی که از لحاظ ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی خود را حقیرتر و پایین‌تر احساس می‌کنند برای غلبه بر چنین حسی، واژه‌های بومی و اصیلی را که هدیهٔ آباء و اجدادی آن‌هاست و بخشی از میراث فرهنگی آنان تلقی می‌شود، کنار گذارده و با استفاده از اسلحه قرض‌گیری، واژه‌های زبان برتر را برای جبران بحران روانی - اجتماعی، جایگزین معادل بومی می‌کنند و آن را به کار می‌برند.

اگر از دیدگاه تاریخی به این بحث بنگریم، ملاحظه می‌شود که زمانی استفاده از عبارات عربی برای گروهی از فارسی‌زبانان یک ارزش محسوب می‌شد و هر کس

---

1 - Falk.

می‌خواست علم و دانش خود را نشان دهد، کوشش می‌کرد در گفته‌ها و نوشته‌های خود از واژه‌ها و عبارات عربی استفاده کند. امروزه نیز واژه‌های فرانسه و بیشتر انگلیسی این نقش را ایفا می‌کنند. در بسیاری از گویش‌ها نیز همین مسئله به وقوع پیوسته است. نتیجه این امر ورود واژه‌ها و عبارات فراوان از این زبان‌ها به زبان فارسی و گویش‌ها و زبان‌های غیررسمی دیگر است.

## کمیت و جهت قرض گیری

### کمیت قرض گیری

میزان نسبی قرض‌گیری واژگان در زبان‌های گوناگون متفاوت است و از این جنبه زبان‌ها را می‌توان به ۳ گروه کلی تقسیم کرد. برخی از جوامع در طول تاریخ با جوامع دیگر برخورد داشته‌اند در نتیجه از زبان‌های آنان به شدت قرض‌گیری کرده‌اند. بنابراین، مجموعه واژگان این‌گونه زبان‌ها از واژه‌های زبان‌های بیگانه، انباشته است (مدرسی، ۶۷). آلبانیایی نمونه‌ای از این گروه زبان‌هاست، بخش قابل ملاحظه‌ای از واژه‌های آن را واژه‌های قرضی ترکی، یونانی، اسلاوی، لاتین و... تشکیل می‌دهد. برخی از زبان‌شناسان میزان واژه قرضی در آلبانیایی را بیش از ۹۰٪ کل واژگان آن دانسته‌اند (آنتیلا، 72).

در برابر این گروه، زبان‌هایی نیز وجود دارند که میزان واژه‌های قرضی در واژگان آن‌ها بسیار اندک است. گروه سوم بینابین قرار دارند و شاید بتوان بسیاری از زبان‌های دنیا را از نظر میزان واژه‌های قرضی در آن‌ها، در همین گروه بینابینی جای داد (مدرسی، همانجا).

### جهت قرض گیری

هنگامی که دو جامعه زبانی به دلایل گوناگونی که ذکر شد در برخورد با یکدیگر واقع می‌شوند، معمولاً عناصر زبانی به‌ویژه واژگان، به طور طبیعی میان زبان‌های آن‌ها قرض‌گیری می‌شود. گاهی یک واژه (یک واحد زبانی) در هر دو زبان همسایه غیرخویشاوند دیده می‌شود بدون اینکه جهت قرض‌گیری مشخص شود. برای مثال هم در زبان فنلاندی و هم در زبان لیتوانی واژه *Laiiva* به معنی «کشتی» دیده شده اما اینکه کدام زبان قرض‌گیرنده بوده مشخص نیست. در چنین حالتی فرض بر این است که

هر دو زبان از زبان سومی، چنین واحد زبانی را قرض گرفته‌اند (آنتیلا، 158). معیار دیگری که در مورد جهت قرض‌گیری بیان می‌شود معیار ساختارهای<sup>۱</sup> است. اگر واژه‌ای در ساخت صرفی و اشتقاقی دو زبان غیرخویشاوند رخ دهد در زبانی که غیرقابل تجزیه باشد واژه قرضی محسوب می‌شود، برای مثال می‌توان تکواژهای قاموسی مقید لاتینی همچون: cieve در receive و perceive و conceive و یا mit در emit و permit و commit و submit را نام برد (کاتامبا، 42). ریشه‌هایی<sup>۲</sup> چون cieve و mit به عنوان تکواژهای زایا در زبان لاتین محسوب می‌شوند اما پس از قرض‌گیری در زبان انگلیسی با تکواژ دیگر ترکیب شده است و نمی‌توان در این زبان، آن را دارای معنای مستقل و تکواژ مستقلی به حساب آورد و تجزیه کرد و بنابر دلایل ذکر شده، در زبان انگلیسی، تکواژی قرضی محسوب می‌شود و واژه‌های نام برده، واژه‌های قرضی در زبان انگلیسی محسوب می‌شوند.

جهت اصلی قرض‌گیری معمولاً از یک زبان به زبان دیگر است، برای مثال در برخورد زبان فارسی با عربی با آنکه عناصری از فارسی به این زبان راه یافتند اما جهت اصلی قرض‌گیری به سوی فارسی بود. در مواردی که دو جامعه زبانی از نظر جغرافیایی همجوار باشند و برخورد آن‌ها شکل طبیعی‌تر داشته باشد قرض‌گیری زبانی ممکن است به صورت دوطرفه انجام شود (مدرسی، ۶۳).

همچنین قرض‌گیری می‌تواند جهت مشخصی نداشته، مستقیم یا غیرمستقیم باشد. هنگامی که یک زبان به طور مستقیم و در شرایط برخورد در جامعه زبانی، عناصری را از زبان دیگر به عاریت می‌گیرد، قرض‌گیری زبانی را مستقیم می‌گویند. به عنوان مثال، در اثر برخورد مستقیم فارسی با زبان‌های عربی، فرانسه و انگلیسی بسیاری از عناصر این زبان‌ها، به طور مستقیم وارد فارسی شده‌اند (مدرسی، همانجا). اما گاه عناصری از یک زبان به طور غیرمستقیم و از طریق زبان سومی که نقش واسطه دارد، به زبان نفوذ می‌کنند و این حالتی است که قرض‌گیری غیرمستقیم نامیده می‌شود (همانجا).

---

1 - morphological criteria.

2 - Root.

### قرض‌گیری گویشی<sup>۱</sup>

به زعم امام (ص ۱۰۶) قرض‌گیری گویش‌ها از یکدیگر و یا قرض‌گیری زبان‌های هم‌خانواده نسبت به قرض‌گیری‌های زبان‌های غیرخویشاوندی، می‌تواند اثرات متفاوتی داشته باشد. به طور کلی در حالت قرض‌گیری‌های گویشی تشخیص جهت قرض‌گیری دشوار است چراکه تفاوت گویش‌های یک زبان از تفاوتی که بین دو زبان قرار دارد بسیار ظریف‌تر است.

آنتیلا (ص ۱۶۴) در مورد جهت قرض‌گیری میان گویش‌ها می‌نویسد: «هنگامی که گویش‌ها بسیار به یکدیگر نزدیک باشند جهت قرض‌گیری دشوار به نظر می‌رسد، چراکه مرز مشخص و روشنی بین زبان و گویش وجود ندارد و دقیقاً چنین شرایطی بین زبان‌هایی که بسیار به یکدیگر نزدیک باشند نیز اتفاق می‌افتد».

قرض‌گیری گویشی می‌تواند دوسویه نیز عمل کند بدین شکل که مشخصه‌هایی از گویش A توسط گویش B قرض گرفته شوند و نیز مشخصه‌هایی از گویش B در A قرض‌گیری شوند (هاک، ۳۸۹).

آنچه که به عنوان معضل در قرض‌گیری‌های زبانی غیرخویشاوند و یا قرض‌گیری خارجی<sup>۲</sup> دیده می‌شود تفاوت‌های ساخت زبانی زبان‌های متفاوت است. در نتیجه، هماهنگ‌سازی واژه‌های قرضی با ساخت بومی زبان پذیرنده، ضروری است، چنین هماهنگ‌سازی را بومی‌شدگی<sup>۳</sup> می‌گویند (همو، ۳۹۰).

### تحلیل زبان شناختی و تحلیل بینامتنی

فر کلاف (تحلیل، ۱۸۸-۱۸۹) تحلیل متن را شامل دو گونه تحلیل می‌داند که مکمل یکدیگرند؛ تحلیل زبان شناختی و تحلیل بینامتنی. وی بر این باور است که تحلیل زبان شناختی دامنه‌ای بسیار گسترده دارد که افزون بر سطوح متعارف زبانی از قبیل واج شناسی، دستور زبان و تحلیل جمله، واژگان و معناشناسی، مسایل فراتر از جمله در متن را نیز تحلیل می‌کند. مسائلی همچون انسجام میان جمله‌ای و جنبه‌های گوناگون ساختار متون. اما تحلیل بینامتنی توجه ما را به این نکته معطوف می‌سازد که چگونه متن‌ها

1 - dialect borrowing.

2 - foreign borrowing.

3 - nativization.

منابع تاریخی و اجتماعی را تغییر می‌دهند. به زعم فرکلاف (زبان و قدرت<sup>۱</sup>، 198) پذیرش مفهوم بافت بینامتنی مستلزم آن است که به گفتمان‌ها و متون از دریچه چشم انداز تاریخی نگریسته شود.

### قرض‌گیری زبانی نمودی از قرض‌گیری در سطح خرد(تحلیل زبان‌شناختی)

#### بومی‌شدگی واژگانی<sup>۲</sup>

بومی‌شدگی واژگانی به میزان و درجات متفاوتی است، همچنین این واژه‌ها به میزان متفاوتی تحت جانشینی واجی قرار می‌گیرند. واژه‌های قرضی را می‌توان برحسب میزان انطباقشان در زبان بومی به لحاظ واجی طبقه‌بندی کرد. این طبقه‌بندی براساس میزان جانشینی واجی آنها صورت می‌گیرد. باطنی تغییراتی را که از این طریق در زبان قرض‌گیرنده ایجاد می‌شود «پدیده‌های قرضی» می‌نامد و آن را به ۷ نوع تقسیم می‌کند (باطنی، ۷۷-۷۴).

#### الف) واژه قرضی<sup>۳</sup>

ورود تکواژ بدون جانشینی واجی در زبان قرض‌گیرنده رخ می‌دهد. به عبارتی عین واژه یا عبارتی که در زبان قرض‌دهنده به کار می‌رود، در زبان قرض‌گیرنده نیز به کار برده می‌شود. در این نوع قرض‌گیری معنای اصلی واژه‌ها به انضمام حضور واج‌های اصلی بدون جانشینی با واج بومی انتقال می‌یابد (هاگن، 84). به این حالت اقتباس واژگانی نیز گفته می‌شود. اقتباس واژگانی بدون تعدیل ساخت واژه‌ای است (البته بومی‌شدگی واجی صورت می‌گیرد). برای نمونه واژه‌هایی مانند compassion, sympathy, rouge, conceive را می‌توان نام برد که به ترتیب از فرانسوی جدید، فرانسوی کهن، لاتین و یونانی در زبان انگلیسی اقتباس شده‌اند. مسئله حائز اهمیت آن است که بومی‌شدگی در این حالت سریع اتفاق نمی‌افتد. حتی ممکن است دوره مشخصی وجود داشته باشد که در آن دوره واژه قرضی همچنان بیگانه باقی بماند (هاگن، ۳۹۷).

---

3-Language and power.

2 - lexical nativisation.

3 - loan word.

(ب) آمیزش قرضی<sup>۱</sup> (هیبرید)

صفوی از این نوع پدیده قرضی را با عنوان آمیزه واژگانی یاد می‌کند (ص ۲۱). برای مثال اتوبوس + رانی، فیلم برداری، موتورخانه، پرتیواژ، دسته چک و ... مطالعه روند قرض گیری و شیوه‌های به کار رفته در این فرآیند نشان می‌دهد برخی از این جوامع از واژه‌های قرضی در زبانشان رضایت نداشته‌اند و کوشش در پاک‌سازی چنین واژه‌هایی می‌کنند به عبارتی واکنش‌های قشرها و گروه‌های خاص اجتماعی نیز در روند قرض گیری واژگانی مؤثر است. در برخی جوامع گروه‌هایی که اصرار در حفظ و پالایش زبان بومی دارند طبعاً در برابر ورود واژه‌های قرضی، مقاومت کرده و کوشش می‌کنند با استفاده از واژه‌ها و امکانات واژه سازی بومی از ورود واژه‌های بیگانه اجتناب کنند. در توجیه چنین واکنشی این‌گونه استدلال می‌کنند که این امر موجب از بین رفتن شفافیت واژگانی در زبان بومی آن‌ها می‌شود (باطنی، ۱۳۱-۱۳۰). این نکته در مورد زبان فارسی و گویش‌های موجود در کشور نیز صادق است.

(ج) ترجمه قرضی

منصوری (ص ۵۷) معتقد است، ترجمه به هر شکل ممکن به خودی خود نمی‌تواند عاملی مخرب برای زبان به حساب آید چرا که ترجمه با ریختن مفاهیم جدید در زبان، زبان را ناچار می‌کند که رمزگان و واژگان خود را افزایش دهد. این امر سبب می‌شود تا زبان از امکانات خود برای بومی کردن این مفاهیم استفاده کند. بنابراین، از این رهگذر طبیعی است که تحولاتی نیز در زبان از جمله ساخت واژه به وجود می‌آید. منصوری (ص ۵۶-۵۳). ضمن برشمردن تأثیرات عمده ترجمه بر واژه سازی زبان فارسی به تحلیل آن‌ها می‌پردازد. در این مقاله به اختصار به چند مورد آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- سرنام<sup>۲</sup>: عبارت است از ترکیب حروف اول واژه‌های یک ترکیب. هادسن (ص ۲۴۴) سرنام را به دو گروه سرنام واژه و سرنام حروف<sup>۳</sup> تقسیم می‌کند. آنچه که درخصوص تأثیر این نوع واژه سازی زبان‌های اروپایی بر زبان فارسی می‌توان ادعا کرد،

1 - Loam blend.

2 - Acronym.

3 - spelling acronym.

این است که این شیوه از واژه‌سازی در ترکیباتی چون ساف (سازمان آزادی بخش فلسطین) ناجا (نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) کاربرد دارد. سرنام‌هایی که از زبان‌های اروپایی به زبان فارسی راه یافته‌اند عموماً به صورت واژه‌ها و ترکیبات قرصی در زبان فارسی باقیمانده‌اند از جمله این موارد می‌توان به «سی ان ان» و «بی بی سی» اشاره نمود. به زعم منصوری (ص ۵۴) کاربرد سرنام‌های واژه و سرنام‌های حروف به سبب عدم زیایی چندان ضروری متوجه ساختن واژه در زبان فارسی نمی‌سازد.

۲- تخفیف یافتگی<sup>۱</sup>: در این فرآیند ابتدا یا انتهای واژه حذف می‌شود (مالمکجا، 220). مانند «آز» به جای آزمایشگاه برگرفته از lab به جای labatory.

۳- الفبا نام: این فرآیند نیز که تحت تأثیر ترجمه به زبان فارسی وارد شده، عبارت است از فرآیندی که در آن واژه از دو جزء، یکی حروف الفبا و دیگری یک اسم ترکیب یافته است. ظاهراً الفبا نام به دو صورت در زبان پدید می‌آید: یکی بر اثر شباهتی که میان حرف الفبا و شکل پدیده وجود دارد و دیگر اینکه حرف الفبا نشانه اختصار یک واژه است. الفبا نام‌ها به دو صورت در فارسی قرص‌گیری شده‌اند. یکی به صورت ترکیب بدون ترجمه هیچ کدام از دو جزء مانند تی شرت و دیگری بصورت ترجمه جزء غیر الفبا. این نوع واژه‌ها افزون بر تأثیری که وام واژه به زبان دارد تأثیر مشخصی بر واژه‌سازی زبان فارسی ندارد. صورت‌گیری از الفبا نام‌ها اسم همراه الفبا نام، ترجمه شده است. مانند اشعه ایکس و خط کش تی (منصوری، ۵۵).

۴- واژه‌های ترکیبی: فرآیندای است که طی آن دو جزء از واژه‌های یک عبارت با هم ترکیب می‌شوند و واژه جدیدی را بدست می‌دهند. این واژه جدید معمولاً از جزء نخست واژه اولی و جزء آخر واژه دوم ترکیب یافته است.

### ایدئولوژی، نمودی از قرص‌گیری در سطح کلان (تحلیل بینامتنی)

اصطلاح ایدئولوژی در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی به کار رفته است به همین سبب واژه ایدئولوژی به گونه‌های مختلف تعریف شده است. به زعم ماریا پرز (ص ۵) ایدئولوژی مجموعه‌ای از آراء و باورهای ارزشی حاکم بر اجتماع است. در زبان‌شناسی ایدئولوژی به مجموعه‌ای از عقاید، برداشتها و ارزشهای نظام مندی که در یک جامعه یا

---

1 - clipping.

بخشی از آن ساری و جاری است، اطلاق می‌شود (یارمحمدی، ۱۰۰).  
 تحلیل گفتمان انتقادی، درحقیقت واکنشی است به خلاء عوامل و مواردی که در  
 دیگر رویکردهای زبان شناختی و گفتمانی نادیده گرفته شده است. این رویکرد از حد  
 توصیف صرف داده‌های زبانی فراتر می‌رود و فرآیندهای ایدئولوژیک مؤثر بر شکل‌گیری  
 گفتمان را در کانون توجه خود قرار می‌دهد.

تحلیلگران انتقادی بر این باورند که می‌توان آگاهی عمومی را نسبت به  
 ایدئولوژی و نقد آن نظام‌مند ساخت (فرکلاف، ۱۱۲). فرضیه نخست این تحلیلگران آن  
 است که «کاربرد زبان در روابط اجتماعی ناظر بر آن محصور است» یعنی زبان صورت  
 مادی ایدئولوژی است و درواقع زبان آغشته به ایدئولوژی است (فرکلاف، ۹۶).

فرضیه دوم در تحلیل گفتمان انتقادی آن است که ایدئولوژی می‌کوشد تا رد  
 پای خود را بیوشاند (فرکلاف، ۵۴) و با پنهان‌سازی صورت‌بندی‌های ایدئولوژیک در  
 صورت‌بندی‌های گفتمانی در نگاه گویشوران و کاربران زبان، امری طبیعی و خودکار  
 شود و در عوض آنکه برخاسته از منافع گروه‌های اجتماعی دانسته شود، بصورت مفهوم  
 عام جلوه کرده و به طبیعت اشیاء یا مردم منتسب شود.

تحلیل گفتمان انتقادی با اتخاذ رویکردی توصیفی - تبیینی و با هدف  
 آشکارسازی گزاره‌های تلویحی در لایه‌های زبان در پی آن است تا این طبیعی‌شدگی  
 ایدئولوژی را به چالش نقد بکشد و آگاهی عمومی را نسبت به ایدئولوژی و بلقوه‌های  
 گفتمانی ناظر بر تولید و بازتولید آن نظام‌مند سازد. این رویکرد به طور ویژه توجه خود را  
 به ساختارهای گفتمان‌مداری معطوف می‌کند که به کارگیری یا عدم به کارگیری آن‌ها  
 و یا تغییر و تبدیل آن‌ها به صورت دیگر در گفته و یا متن سبب می‌شود که از آن واژه،  
 جمله و یا پاره‌گفتار برداشت‌های متناوبی ممکن شود، مطلبی پوشیده و مبهم شود یا  
 برعکس، متن صراحت بیشتری پیدا کند و یا بخشی از گفته برجسته‌سازی شود و بخش  
 دیگر در حاشیه قرار گیرد (یارمحمدی، ۱۴۴، ۱۵۵، ۱۶۶). فرکلاف (زبان و قدرت، ۹۲-  
 ۹۳) نیز گزینش‌های واژگانی، رابطه عاملیت نحوی یعنی انتخاب صیغه معلوم / مجهول،  
 فرآیند اسم‌سازی، بازنمایی استعماری امور واقع، انتخاب شیوه نقل قول مستقیم /  
 غیرمستقیم، نحوه گزینش از سیستم وجه، انتخاب ضمائر شخصی / غیرشخصی را از  
 جمله نمونه‌هایی از این ساختارهای گفتمان‌مدار معرفی می‌کند. اما بسیاری از صورتهای  
 زبانی نیز به طور بالقوه امکان برخورداری از بار ایدئولوژیک را دارا هستند. این امر به

معنای آن نیست که کل گفتمان به ناچار ماهیت ایدئولوژیک دارد. بلکه به زعم فرکلاف (ص ۱۱۱)، رفتارهای گفتمان مادامی که به حفظ تأثیر یا تضعیف روابط قدرت یاری برسانند دارای بار ایدئولوژیک خواهند بود.

### واژه قرضی نمودی از صورت بندی ایدئولوژیک

پرسشی که اکنون مطرح می‌شود آن است که اساسا در فرآیند قرض‌گیری به لحاظ ایدئولوژیک چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ انسان‌ها در فرهنگ‌های مختلف ناآگاهانه گرایش به تأکید واکنش به محرک‌هایی دارند که آنها را برای خود مهم می‌انگارند و در نتیجه محرک‌های دیگر را نادیده می‌گیرند. پدیده‌هایی که برای اهل زبان اهمیت تطبیقی و خاصی نداشته باشند یا در زبان آن جامعه نام خاصی ندارند و یا اینکه تحت پوشش نام عامی قرار می‌گیرند. برای مثال در پژوهشی در جهرم ۲۶ نام برای انواع خرما فهرست شده است. اما در پژوهش دیگر ۲۰ مورد انواع گوسفند در گونه بیرجند (از منطقه‌ای که شغل اهالی بیشتر گله‌داری است) نام برده شده است. در پژوهش کتابی (۱۳۷۸) طی مقاله‌ای گونه‌های مختلف برنج را با چندین اسامی مشخص، در شمال ایران توصیف کرده است (یارمحمدی، ۱۱۸).

به زعم موقن (ص ۱۰)، با در نظر گرفتن آنچه از منابع دیگر درباره مجموعه ذهنی می‌دانیم، می‌توان اظهار این مطلب را با آنچه تا کنون گفته شده است سازگار دانست که جهان برای اشخاصی که واژگان متفاوتی بکار می‌برند، متفاوت، نمایان می‌شود زیرا زبانهای مختلف توجه را به جنبه‌های متفاوتی از محیط معطوف می‌کنند.

فرکلاف (ص ۴۷) معتقد است تا آنجا که به جنبه ایدئولوژیک کثرت‌گرایی مربوط می‌شود، ممکن است که یک نهاد مفروض دو یا چند صورت بندی ایدئولوژیک متمایز را در خود جای دهد (آلتوسر، ۱۹۷۱). به زعم فرکلاف (ص ۴۸) تضاد نیروها موجب می‌شود که سدهای ایدئولوژیک میان نهادهای اجتماعی (زبان نیز خود نهادی است اجتماعی) ایجاد شود و رابطه‌ای متناظر بین صورت بندی‌های ایدئولوژیک و صورت بندی‌های گفتمانی طرح ریزی شود. برای روشن کردن و مربوط ساختن این نظر به بحث مقاله حاضر، صورت بندی گفتمانی را به واژه‌های قرضی تخصیص می‌دهیم. فرکلاف (همانجا) نهاد اجتماعی را نوعی جامعه زبانی و با بسط بیشتر جامعه ایدئولوژیک در نظر می‌گیرد و مدعی می‌شود که نهادها، فاعلان را بطور ایدئولوژیک و گفتمانی شکل

می‌بخشند. درحقیقت نهادها خود را چنان نشان می‌دهند که گویی چنین ویژگی‌هایی دارند اما فقط در مواقعی چنین است که یک صورت بندی ایدئولوژیک - گفتمانی آشکارا بر بقیه مسلط است.

همچنین می‌توان این ویژگی را به صورت بندی ایدئولوژیک - گفتمانی و نه به نهاد اجتماعی، نسبت داد. زیرا صورت بندی ایدئولوژیک - گفتمانی است که قادر است فاعلان را با مجموعه‌هایی که در اختیار دارد مرتبط کند، مجموعه‌هایی از رخدادهای گفتاری، مشارکین، صحنه‌ها، موضوع‌ها، هدف‌ها و به طور همزمان بازنمودهای ایدئولوژیک. فرکلاف (ص ۴۹) معتقد است می‌توان در نهادی اجتماعی یک صورت بندی ایدئولوژیک گفتمانی مسلط و یک یا چند صورت بندی ایدئولوژیک - گفتمانی تحت سلطه تشخیص داد. این موضوع در پدیده قرض گیری زبانی مصداق دارد زیرا در آنجا نیز موضوع اصلی مبارزه بین نیروهای درون نهاد، حفظ سلطهٔ واژه قرضی به عنوان نمودی از صورت بندی ایدئولوژیک - گفتمانی «مسلط» به منظور جایگزین شدن بجای صورت بندی ایدئولوژیک گفتمانی واژه بومی «تحت سلطه» است. هنگامی که سلطهٔ یک واژه قرضی، در زمینهٔ تمام مقاصد و اهدافش، با چالش رو به‌رو نشود، واژه قرضی نمودی از صورت بندی ایدئولوژیک گفتمانی، به اوج طبیعی شدگی می‌رسد و امکان دارد به عنوان هنجاری از زبان قرض گیرنده در نظر گرفته شود. به زعم فرکلاف منافع طبقه اجتماعی مسلط در سطح صورت بندی اجتماعی، مستلزم حفظ تسلط یک صورت بندی ایدئولوژیک - گفتمانی در هر نهاد اجتماعی است. این امر در پدیده قرض گیری زبانی نیز مصداق دارد. منافع طبقه اجتماعی زبان مسلط در سطح صورت بندی اجتماعی برای واژگان قرضی، مستلزم حفظ تسلط صورت بندی ایدئولوژیک مربوط به واژه قرضی در زبان قرض گیرنده است. صورت بندی‌ای که با قدرت مستمر آن‌ها همخوان باشد. زیرا تغییر در مناسبات قدرت میان زبان‌ها در سطح صورت بندی اجتماعی، صورت بندی زبانی و پدیده قرض گیری را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد. فرکلاف توانایی حفظ سلطه یک صورت بندی ایدئولوژیک گفتمانی را قدرت ایدئولوژیک گفتمانی می‌نامد و معتقد است که این قدرت در کنار قدرت اقتصادی و سیاسی وجود دارد و قاعدتا می‌توان انتظار داشت که در پیوند با آن‌ها باقی بماند (همانجا).

### نتیجه‌گیری

زبان هر قوم و ملتی را آیینی تمام نمای فرهنگ آن قوم و ملت دانسته‌اند. از

دیدگاه زبان‌شناسی هر زبان خود گونه‌زبانی است که با توجه به عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی به جایگاهی برتر و ملی دست یافته و بافت موقعیتی، بینامتنی و زبانی دیگر گویش‌های پیرامون خود را تحت الشعاع قرار داده است و با عناوینی مانند زبان معیار یا زبان رسمی و یا زبان مشترک شناخته می‌شود. از همین دیدگاه، زبان فارسی خواه در گفتمان گونه‌های گفتاری و خواه در گفتمان گونه‌های نوشتاری در طول تاریخ ارزشمند خود از ارتباطی دوسویه با زبانهای غیرمعیار یا گویش‌های محلی خویش برخوردار بوده است. زبان فارسی به علل فرهنگی، جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و در یک کلام موقعیتی به دیگر مناطق ایران نفوذ کرده و اندک اندک آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است. از دیدگاه رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی این تأثیر متقابل در سطح خرد (آوایی، واژگانی، نحوی و معنایی) زبان‌های رسمی از یک سو و گویش‌های محلی از سوی دیگر صورت می‌گیرد و ابعاد و میزان تأثیر و تأثر هر یک از این دو، به عوامل گوناگون در سطح کلان (تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) بستگی دارد، به نحوی که گاه یکی از ابعاد زبانی از جمله سطح واژگانی در این مقاله از طریق فرآیند قرض‌گیری به سبب اقتدار ایدئولوژی تقویت و دیگری تضعیف می‌گردد. خلاصه سخن آنکه بکارگیری و عدم استفاده از واژه قرضی بجای واژه بومی در کیفیت پیام متن تغییر ایجاد می‌شود و باعث می‌شود از پاره گفتار برداشت‌های متفاوتی شود، مطلبی پوشیده یا مبهم شود و یا صراحت بیشتری پیدا کند. ورود عناصر قرضی در هر سطح یکی از روش‌هایی است که در تغییر ایدئولوژی می‌تواند تأثیر گذار باشد. به زعم یارمحمدی (ص ۱۶۱) وقتی دیدگاه در جهتی مورد نظر تغییر پیدا کند رفتار مورد نظر نیز با طیب خاطر صورت خواهد گرفت. با این توضیحات می‌توان به اهمیت تحلیل گفتمان انتقادی در حوزه کاربردی و بویژه گویش‌شناسی اشاره کرد. در چهارچوب این رویکرد تحلیل و تعدیل روابط قدرت در ارکان جامعه زبانی زبان قرض‌گیرنده و زبان قرض‌دهنده، هدایت تحولات سیاسی و اجتماعی، سازمان‌دهی مناسب وسایل ارتباط جمعی به ویژه برای ریشه کن کردن استضعاف، تبعیض و تعصب و همچنین تأثیر آن در آموزش و پرورش امکان‌پذیر است.

به نظر می‌رسد رویکرد تحلیل گفتمانی - انتقادی شیوه‌ای تحلیلی - تبیینی است که قادر است با تقویت مستمر و گسترده امکانات زبان فارسی به عنوان زنجیره پیوندی همه اقوام، فرهنگ‌های متفاوت در محدوده ایران و حتی فراتر از مرزهای جغرافیایی

کشور همزمان زبانهای غیرمعیار مانند ترکی، کردی، گیلکی، عربی و ... را احیا کند. چراکه تقویت این گویشها به صورت غیرمستقیم و در درازمدت همانا تقویت زبان فارسی است.

### منابع

آقا گل زاده، فردوس، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران ۱۳۸۵ش؛ امام، عیس، «ترجمه در خدمت تقویت و احیای گویشهای علمی»، مترجم، سال ۱۴، زمستان ۱۳۸۴، شم ۴۲؛ فرکلاف، نورمن، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران، ۱۳۷۹ش؛ صفوی، کوروش، *واژه نامه زبان شناسی*، تهران، ۱۳۶۱ش؛ مدرسی، یحیی، *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*، تهران، ۱۳۶۸ش؛ منصوری، مهرزاد، «تأثیر ترجمه بر ساخت واژه در زبان فارسی»، *مطالعات ترجمه*، سال ۴، تابستان ۱۳۸۵، شم ۱۴؛ موقن، یدالله، *زبان، اندیشه و فرهنگ* (مجموعه مقالات)، تهران، ۱۳۷۸ش؛ یارمحمدی، لطف الله، *گفتمان شناسی رایج و انتقادی*، تهران، ۱۳۸۳ش؛ نیز:

Anntila, R. *An Introduction to Historical and comparative linguistics*, Macmillan, Newyork, 1972; 10. Arlotto. A. introduction to Historical Linguistics. Houghton Mifflin, Boston, 1972; Bloomfield, L. *Language*, Holt, Rinehart and Jvanovic, Newyork, 1933; Bloor, M and Bloor, T. *The practice of critical Discourse Analysis*, Hodder Education, London, 2007; Calzada Perez, Maria (ed). *Apropos of Ideology: Translation studies on Ideology – Ideology in Translation studies.*: st. Jerome, Manchester, 2003; Dittmar, Norbert, *Sociolinguistics*, Edward Arnold, London, 1976; Fairclough, N, *Critical Discourse Analysis*, Longman, London, 1995; Fairclough, N. *critical discourse analysis, the critical study of language*, Longman, London and Newyourk, 1995; id, *Language and power*. Second edition.: Pearson Education Limited, England, 2001; Falk, J.S. *Linguistics and Language*, 2nd, John Willey & sons, Newyork, 1978; Hudson, *The linguistic Encyclopedia*, Routledge, Newyork, 2000; Haugen, E. *The Analysis of Linguistic Borrowing*, The Ecology of Language, Essays by E. Haugen, ed. A. Dil, stanford Univ. press, Stanford, 1950; Katamba, Francis, *morphology*, senond edition, palgrave Macmilan, Newyork, 2006; Kress, G. *Critical Discourse Analysis*. Robert Kapland. *Annual Review of Applied linguistics*, II, 1990; Kress, G and Hodge, R. *Language as Ideology.*: Routledge, London, 1979; Malmkjar, k. *the linguistic Encyclopedia*, Routledge, London and Newyork, 2001; Widdowson, H. G. *Text, context, pretext.*: Blackwell, Oxford, 2004; Van Dijk, T. A. *Critical discourse analysis*. In D. Tannen, D. schiffin H. Hamilton (eds), *The Handbook of Discourse Analysis.*: Blackwell, Oxford, 2001.